

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

آموزش کارآفرینی: رویکردی نو در جهت حل مشکل اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی

نویسندگان:

سیده راحله حسینی، کارشناسی ارشد آموزش محیط زیست.

Shahreco@yahoo.com

سیده الهام حسینی، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی.

Elhamsadat_hosseini@yahoo.com

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
ب عنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

چکیده

در سالهای اخیر مشکل اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی در کشورمان برای سیاستگذاران بسیار حائز اهمیت بوده است. در این بین، اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی، به دلیل نقش بارزی که بخش کشاورزی در اقتصاد کشور ایفا می کند، از اهمیتی دو چندان برخوردار است. از سوی دیگر ظرفیت بخش دولتی در چند سال اخیر برای استخدام فارغ التحصیلان دانشگاهی به ویژه فارغ التحصیلان کشاورزی رو به کاهش بوده است. بنابراین ارائه تعریف جدیدی از اشتغال و گذر از کاریابی به کارآفرینی می تواند راهکار مناسبی در این زمینه عرضه کند. همچنین پژوهشها نشان می دهد که مهمترین عامل موثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش است. از این رو در این مقاله سعی بر این است که به مقوله آموزش کارآفرینی به عنوان رویکردی نو در جهت حل مشکل اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، کشاورزی، فارغ التحصیلان، اشتغال.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بنوعان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

مقدمه

بروز تحولات سریع و روزافزون در جوامع و محیط زیست آن باعث شده تا آموزش، نقش متفاوت و در عین حال پیچیده ای داشته باشد. آموزش به ویژه در کشاورزی همواره با چالش هایی مانند اشتغال فارغ التحصیلان مواجه بوده است. با توجه به نوع دانش و آگاهی های فرا گرفته دانشجویان رشته های کشاورزی و مهارت های پیش بینی شده برای فارغ التحصیلان می توان گفت که اشتغال مفید و سازنده و استفاده بهینه از تخصص های آنان به عنوان متخصصین و کارشناسان کشاورزی، اثر بخشی زیادی در افزایش میزان تولید محصولات کشاورزی و دامی به دنبال خواهد داشت (برآبادی و محمدی، ۱۳۸۶). امروز دانشجویان از موسسه های آموزش عالی فارغ التحصیل شده و وارد محیطی می شوند که به سرعت در حال تغییر است. فناوری و عوامل مرتبط با آن هر روز دنیای فرصت های شغلی را تغییر داده و مشاغل جدیدی را ایجاد می کنند (کالینز، ۲۰۰۴). این امر نیاز به فارغ التحصیلان کارآفرین را روز به روز افزایش داده و آماده سازی فارغ التحصیلان دانشگاهی با توسعه کارآفرینی را ضروری می کند. از سوی دیگر بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی از چالش های مهم آموزش عالی بوده و بر اساس آمارهای موجود حدود ۲۲ درصد از دانش آموختگان رشته های کشاورزی و منابع طبیعی جویای کار هستند که ۱۰ درصد بیش از نرخ کل جامعه است (جلالی، ۱۳۸۴). سیاست های دولت برای خصوصی سازی و کوچک سازی نیز موجب کاهش استخدام در بخش دولتی و در نتیجه افزایش بیکاری فارغ التحصیلان کشاورزی شده است. بنابراین ارائه تعریف جدیدی از اشتغال و گذر از کاربایی به کارآفرینی یکی از راه حل های معضل بیکاری فارغ التحصیلان کشاورزی بوده و این موضوع به ویژه برای دانشجویان دانشگاهی که در مقایسه با افراد بدون تحصیلات دانشگاهی بیشتر به دنبال خود اشتغالی هستند (زمپتاکیس و همکاران، ۲۰۰۹) بسیار اهمیت دارد.

در این راستا، اشتغال فارغ التحصیلان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه ریزان آموزشی در کشورهای مختلف بوده و نظام آموزشی کشور مان نیز از این قاعده مستثنی نیست. امروزه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، برای غلبه بر چنین مشکلاتی، کارآفرینی را پیشنهاد کرده اند. به بیان دیگر راهکار خروج از این چالش ها و عبور از این تهدیدها را باید در کارآفرینی جست و جو کرد. کارآفرینی در بردارنده منبعی از انعطاف پذیری، نوآوری، خلق شغل برای اقتصاد و یک فرصت جالب برای توسعه حرفه ای افراد تلقی می شود (آن استنک، ۲۰۰۳). توجه جدی به مقوله کارآفرینی، به برخی پیامدها مانند افزایش فرصت های شغلی، رقابت، بهبود بهره وری و افزایش سطح رفاه اجتماعی، اقتصادی منجر خواهد شد (عزیزی، ۲۰۱۰). در واقع پژوهش های تجربی در کشورهای اروپایی و آمریکایی از ارتباط مثبت بین فعالیت های کارآفرینی و پیامدهای اقتصادی از جمله رشد اقتصادی، نوآوری در چنین جوامعی حکایت دارد (اوستربریک، ۲۰۱۰).

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

کارآفرینی، موضوعی است که توجه پژوهشگران رشته های علمی مختلف مانند اقتصاد، روان شناسی، جامعه شناسی و غیره را به خود معطوف کرده و هر یک از این محققان، تعاریف متفاوتی از کارآفرینی ارائه کرده اند که ناشی از دیدگاههای متفاوت آنان در این زمینه است. به عنوان مثال ما و تان معتقد کارآفرینی یک ذهنیت ویژه است، یک شیوه بی نظیر نگاه به جهان، نوع خلاقیتی از تجارت مخاطره آمیز و ابزار نهایی برای خود شکوفایی و تکامل (ما و تان، ۲۰۰۶). یامادا کارآفرینی را عبارت از فعالیت هایی می داند که به پایداری اقتصادی - اجتماعی و استفاده اثر بخش از منابع به وسیله تحریک پیشرفت اقتصادی - اجتماعی، ایجاد ارزش های جدید و فراهم کردن فرصت های استخدام کمک می کند (یامادا، ۲۰۰۴). و کریجر و همکاران معتقد که کارآفرینی یک شیوه تفکر است، شیوه تفکری که به فرصت ها بیش از تهدیدها تاکید دارد (کریجر و همکاران، ۲۰۰۰).

بنابراین کارآفرینی، فرایندی است که در آن فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت های نو، سازمان های جدید و نوآور و رشد یابنده که توأم با پذیرش مخاطره و ریسک است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می گردد، می نماید (میرجام و ورسلوت، ۲۰۰۷). به طور کلی کارآفرینی به توانایی استفاده موفقیت آمیز از ایده های نوآورانه در بازارهای رقابتی تجاری اشاره دارد (دام و همکاران، ۲۰۱۰). که به عنوان رکن اساسی پیشرفت فناورانه، توسعه کسب و کار و تولید ثروت و عاملی مهم در ایجاد شغل جدید است (تانگ و کاوس، ۲۰۰۴). بدین ترتیب، کارآفرینی یک مفهوم کل گراست که به گونه ای ابداعی و ابتکاری بر کسب و کار فرد اثر می گذارد. این دیدگاه است که روش کسب و کار را در همه سطوح و کلیه کشورها متحول ساخته است.

آموزش کارآفرینی

سالهاست که موضوع کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته مورد توجه دانشمندان، مسئولان و مردم قرار گرفته است و یکی از پرطرفدارترین رشته های دانشگاهی گردیده است. از اهمیت به کارگیری کارآفرینی به آنجا رسیده است که بعضی از عوامل تولید، مانند سرمایه کار (به غیر از نیروی انسانی) شناخته و آن را به عنوان موتور توسعه اقتصادی معرفی می کنند (صمد آقایی، ۱۳۷۷). تحقیقات نشان داده که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرین ها در یک کشور همبستگی مثبت وجود دارد. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال زایی که دارند به کاهش نرخ بیکاری که خود از اهداف کلان اقتصادی - اجتماعی دولت ها می باشد کمک می نماید (وارث، ۱۳۷۸). از طرف دیگر امروزه نیروی انسانی ماهر به عنوان یک منبع نامحدود و محور اصلی هر نوع توسعه مطرح شده است (کیا کجوری و فاضلی ویسری، ۱۳۸۹).

همچنین رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب گردیده موجی از سیاست های توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. کشورهای مختلف به راه حلی در سه دهه گذشته برای فائق آمدن به

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

مشکلات اقتصادی و اجتماعی روی آورده اند که در ذیل به آنها اشاره می شود: (مرکز کاراد سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۱):

توسعه فرهنگ کارآفرین؛

انجام حمایت های لازم از کارآفرینان؛

ارائه آموزش های مورد نیاز به آنان:

انجام تحقیقات و پژوهش های لازم در این زمینه.

امروزه به علت افزایش گرایش افراد، به خصوص جوانان به انجام فعالیت های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، به موضوع مهمی در مجامع علمی و غیر علمی تبدیل شده است. پژوهش ها نشان می دهد که مهمترین عامل موثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می باشد و مناسب ترین محیط برای پرورش کارآفرینان، در هر جامعه ای، محیط های آموزشی و به ویژه مدارس (از ابتدائی تا دبیرستان) می باشد (غلامی، ۱۳۸۲). از این رو عامل انسانی مهمترین جنبه کارآفرینی بوده و آموزش عامل انسانی در روند پیشرفت کارآفرینی تاثیر بسزایی داشته و خواهد داشت. امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیت های موسسات آموزشی مثل دانشگاهها، آموزشگاه های محلی، آموزشگاهها، موسسات غیر انتفاعی آموزشی، سازمانها و بنگاههای خیریه و مذهبی و ... تبدیل شده است (صالحی، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است یکی از اهداف اصلی آموزش کارآفرینی این است که آموزش کارآفرینی مساله ای مجزا از آموزش معمول کسب و کار است. اصولا ورود به تجارت، فعالیتی است که با مدیریت کسب و کار تفاوت دارد. آموزش کارآفرینی باید به ماهیت مبهم و نامشخص ورود به تجارت نیز توجه داشته و برای نیل به این هدف، لازم است شامل واحد های مهارت ساز در مذاکره، رهبری، توسعه محصول جدید، تفکر خلاق و رویکرد باز به نوآوریهای فناوری باشد. سایر قلمروهایی که برای آموزش کارآفرینی مهم تشخیص داده شده اند؛ عبارتند از: ۱- انتخابهای موجود در شغل کارآفرینی، ۲- منابع سرمایه برای کسب و کار، ۳- حفظ ایده، ۴- شاخصه های شخصیت کارآفرینی، ۵- تحمل و ابهام، ۶- چالش های همراه با هر مرحله از توسعه کسب و کار (کراتکو، ۲۰۰۳).

دوره های آموزش کارآفرینی به لحاظ هدف، به ۵ دسته تقسیم بندی می شوند:

برنامه های افزایش دهنده آگاهی و دانش و گرایش و جهت گیری به سوی کارآفرینی در فراگیران (تغییر دانشی و بینشی)
برنامه های تشویق کننده و حمایت کننده توسعه تاسیس شرکت ها و کسب و کارهای جدید؛
دوره های پوشش دهنده رشد و بقای کارآفرینان و کسب و کارهای کوچک در حال فعالیت،
برنامه های توسعه آموزشی کارآفرینی (شامل روش های جدید آموزشی و تعیین نقش های نوین دانشجو و استاد در فرایند آموزش کارآفرینی)؛

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

برنامه های توسعه تحقیق در کارآفرینی و آموزش کارآفرینی (انتشار کتب، مجلات، مقالات، برگزاری سمینارها، کارگاههای آموزشی و ...).

اهداف آموزش کارآفرینی

به طور کلی در آموزش کارآفرینی اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از مهم ترین این اهداف عبارتند از:
کسب دانش مربوط به کارآفرین؛
کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت های اقتصادی و ترکیب برنامه های عملیاتی؛
شناسایی و تحریک استعداد ها و مهارت های کارآفرینانه؛
القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیل؛
ابجاد همدلی و حمایت برای جنبه های منحصر به فرد کارآفرینی (سکستین و کاساردا، ۱۹۹۲).
تشویق و ترغیب کسب و کار های جدید و سایر کسب و کارهای جدید و سایر کسب و کارهای مخاطره آمیز کارآفرینان؛
سوق دادن نگرش ها به سمت تغییر (گاراوان و اوسینید، ۱۹۹۴).
"گاراوان" و "اوسینید" اهداف برنامه های آموزشی کارآفرینی را در قالب موارد زیر بیان می کنند (مقیمی و احمدپور داریانی، ۱۳۸۷):

شناسایی و آماده سازی کارآفرینان بالقوه برای شروع یا توسعه دانش و فناوری در کسب و کارهای مخاطره آمیز؛
توانمندسازی مخاطبین برای تنظیم برنامه های کسب و کار؛
تمرکز بر موضوعاتی که برای اجرای پروژه های کارآفرینانه همچون تحقیق بازار و تحلیل رقبای، تامین مالی کسب و کار و موضوعات مالیاتی و قانونی، حیاتی هستند؛
بهبود و توسعه رفتارهای مستقلانه، ریسک پذیری و تقبل مسئولیت ها؛
توانمند سازی مخاطبین به گونه ای که در پایان دوره آموزشی بتوانند اقدام به تاسیس کسب و کار مخاطره آمیز دانش محور با فناوری سطح بالا کنند.

نقش آموزش در کارآفرینی

اصولاً هر نوع آموزشی باعث ایجاد تغییر یا تغییراتی در افراد می گردد و این تغییرات شامل سه حیطه تغییر در دانش و آگاهی فراگیران، تغییر در بینش و نگرش آنها و یا تغییر در رفتار و مهارت عملی که انتظار است در اعمال فرد یا افراد مشاهده شود صورت می گیرد. همچنین در خصوص آموزش کارآفرینی به طور کلی دو دیدگاه توسط صاحب نظران ارائه می گردد:

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بنام استرسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

عده ای که در حیطه ویژگی های افراد کارآفرین صاحب نظر می باشند، اعتقاد دارند که افراد کارآفرین، کارآفرین به دنیا می آیند و تحصیل و آموزش نمی تواند هیچ تاثیری در افراد داشته باشد و بر جنبه وراثتی بودن کارآفرینی و کارآفرین بودن فرد تکیه دارند، چون از نظر آنها شخصیت افراد در کودکی شکل می گیرد (لیوای، ۱۹۹۹).
گروه دیگر تاکیدشان بر این است که همه چیز را می توان با آموزش در افراد ایجاد کرد حتی ویژگی های کارآفرینان را یعنی می توان افرادی کارآفرین ساخت (دراکر، ۱۹۸۵).

هر چند که نمی توان منکر قابل آموزش بودن هر چیز بود ولی ((ایجاد)) و ((پرورش)) از طریق آموزش دو مقوله کاملاً مجزا از هم می باشند به طور کلی، آموزش و به طور اخص آموزش کارآفرینی، در رابطه با افراد، تنها دو گزینه در پیش رو خواهد داشت. یا اینکه آموزش کارآفرینی اقدام به ((ایجاد)) روحیات، ویژگی ها و مهارت های کارآفرینی در فراگیران نماید یا اینکه در جهت ((پرورش)) ویژگی ها و مهارت های کارآفرینی در فراگیران سمت و سو پیدا کند (صالحی، ۱۳۸۷).

پژوهش های حوزه کارآفرینی، کارگزار یا کارآفرین بالقوه را از سه جنبه بررسی کرده اند: ۱) ویژگی های شخصیتی که بین کارآفرینان و غیر کارآفرینان تمایز قائل می شود؛ ۲) وی ژگی های جمعیت شناختی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، پیشینه خانوادگی و غیره؛ ۳) عوامل محیطی (به ویژه عوامل شخصی مانند نگرش به کارآفرینی که به تصمیم افراد برای راه اندازی یک حرفه کارآفرینانه اثر گذار است (گروو^۲، ۲۰۰۸). به طور کلی اگر کارآفرینی به صورت طیفی نشان داده شود که در یک سر آن فرد کارآفرین و در سر دیگر آن فرد غیر کارآفرین قرار گرفته باشد، افراد بر اساس درجه کارآفرینی شانم بین این دو قرار می گیرند و به عبارت دیگر همه افراد دارای ویژگی های کارآفرینی هستند. با این تفاوت که این ویژگی در بعضی از افراد، قوی تر و در بعضی دیگر ضعیف تر است. در نتیجه تنها گزینه در خصوص آموزش کارآفرینی، ((پرورش)) مهارت ها و ویژگی های کارآفرینانه می باشد.

چالش های آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی و تحقیقات مربوط به آن، هم اکنون با چالش های متعددی مواجه شده است و برخی از این چالش ها توسط بلاک و استامپ ارائه شده است (مقیمی و احمد پور داریانی، ۱۳۸۷):
چالش در ایجاد متدلوزی های تحقیق برای اندازه گیری اثر بخشی کارآفرینی؛
چالش در محتوا و شیوه های آموزش کارآفرینی؛
چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی؛
چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده ها نسبت به کسب و کار؛
چالش در ایجاد یک پیکره عمومی (مشترک) در زمینه های دانشی مختلف؛
چالش در اثر بخشی روش های آموزشی؛

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بنام بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

چالش در اثر بخشی روش های آموزشی؛

چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینانی که در حال کار هستند، متناسب با دوره زندگی کسب و کاری که هم اکنون در آن به سر می برند.

"گاراوان" و "اوسینید" نیز بر این باورند که سه محور اصلی در فعالیت آموزشی کارآفرینان عبارتند از: دانش، مهارت ها و نگرش ها. در بیشتر آموزش های رسمی کارآفرینی به طور همه جانبه و تحلیلی به موضوع "دانش" پرداخته می شود. ولی چالش اصلی این است که "مهارت" به صورت کلی و ناکافی مورد توجه قرار می گیرد و موضوع "نگرش ها" نیز اغلب نادیده گرفته می شود.

کارآفرینی و آموزش عالی کشاورزی

مطالعه وضعیت آموزش عالی از نظر کارآفرینی اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا امروزه بیکاری دانش آموختگان این بخش از آموزش عالی به یکی از چالش های اساسی بخش کشاورزی تبدیل شده و ذهن تمامی سازمانهای فعال در توسعه کشاورزی را به خود مشغول کرده است. بررسی روند اشتغال و بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی و کشاورزی و منابع طبیعی نشان می دهد که این بخش از آموزش عالی با سهمی برابر با ۴۷٪ درصد کمترین سهم را در اشتغال دانش آموختگان به خود اختصاص داده است (اسکندری، حسینی و و کلانتری، ۱۳۸۵). از این رو یکی از راه حل هایی که این روزها مطرح می شود، توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی است. بررسی وضعیت آموزش عالی کشاورزی و فارغ التحصیلان این بخش در کشور نشان از این امر دارد که یکی از مشکلات اساسی و عمده آموزش عالی کشاورزی، توسعه کارآفرینی میان دانشجویان و دانش آموختگان این بخش است (یعقوبی، ۱۳۸۹). چنانچه آموزش کارآفرینی به دلیل ویژگی هایی که دانشگاهها از نظر داشتن سرمایه انسانی در قالب دانشجو و اعضای هیات علمی، محلی مناسب برای نوآوری مبتنی بر دانش هستند، به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیتهای دانشگاهی تبدیل شده است (زارع یکتا، ۱۳۸۷). در واقع دانشگاهها به عنوان متولی اصلی پرورش نیروی متخصص جامعه، نقش کلیدی و تعیین کننده در توسعه کارآفرینی در کشور دارند، از این رو یکی از مهمترین و جدیدترین ماموریت های کلیدی دانشگاهها توسعه و پرورش کارآفرینان بالقوه است (رضوی و زالی، ۱۳۸۸).

همچنین در آموزش عالی کشاورزی با فراگیری سر و کار خواهیم داشت که از بسیاری از جنبه های شخصی، تقریباً به حد بلوغ رسیده اند و توانایی انجام بسیاری از فعالیت ها را خواهند داشت. در این دوره، فعالیت ها علاوه بر ایجاد انگیزه و پرورش ویژگی های کارآفرینی به انجام مهارت های کارآفرینی و نوشتن طرح های کسب و کار کشاورزی و راه اندازی و توسعه یک کسب و کار متمرکز خواهد بود. (صالحی و برادران، ۱۳۸۵).

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
ب عنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

عوامل بازدارنده و تقویت کننده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی

مطالعه های انجام شده در زمینه کیفیت آموزش عالی کشاورزی، نشان دهنده وضعیت نه چندان مطلوب آن است. از جمله (مقدس فریمانی و زمانی، ۱۳۸۶) بیان می کنند آموزش عالی کشاورزی در کشور در حال تغییر و تحول با سرعت، کارایی لازم را نداشته و فراگیران را برای سازگاری با شرایط متغیر و متحول آماده نمی کند. واکاوی ساز و کارها و چالش های تقویت کارکرد نظام آموزش عالی کشاورزی کشور نشان داد چالش های راهبردی آموزش عالی کشاورزی عبارتند از ناهموازی بستر تحقیق و توسعه کشاورزی، محدودیت های کلیت نظام پژوهش و فناوری، ضعف های ساختاری/ نهادی تحقیق های کشاورزی و ضعف های کارکردی- دستاوردی تحقیق های کشاورزی (شریف زاده و همکاران، ۱۳۸۶). ابن علی و رجبی نسب (۱۳۸۶) نیز در تحقیقی موانع کارآفرینی دانش آموختگان بخش کشاورزی را نداشتن کارایی لازم نظام آموزشی عالی در بخش کشاورزی، نبود یک الگوی مشخص برای کارآفرینی نیروهای دانش آموخته، دیر بازده بودن سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و ناهماهنگی مورد نیاز با ساز و کار مناسب بین دستگاههای اجرایی و متولی امر کارآفرینی بیان کرده اند. مانع عمده دیگری که در مقابل افزایش کارایی آموزش عالی قرار دارد فاصله جغرافیائی ایجاد شده بین محیط آموزشی و واقعی کشاورزی می باشد که خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان و در نتیجه فارغ التحصیلان کشاورزی با کسب و کار های مرتبط با کشاورزی می گردد. از سوی دیگر بررسی عوامل اثرگذار بر تقویت کارآفرینی در آموزش های علمی - کاربردی کشاورزی نشان داد تغییر روش های آموزشی، تغییر و بهبود محتوای آموزشی، تجهیز مراکز آموزشی، تغییر در نحوه جذب و پذیرش دانشجو. بهبود سازمانی و تشکیلات مراکز آموزشی علمی- کاربردی کشاورزی از جمله شاخص های مهم و اثرگذار به شمار می روند (خسروی پور و همکاران، ۱۳۸۶).

نتیجه مطالعه دیگری نشان داد که خود بازنگری در برنامه ها، محتوای درسی و برگزاری دوره های آموزشی برای گروههای مختلف آموزشی مراکز آموزش عالی در تبدیل دانشگاه سنتی به یک دانشگاه کارآفرین ضروری بوده و همچنین نشان داد آموزش کارآفرینی در افزایش مهارت های دانشجویان در خلاقیت، اعتماد به نفس و نیز مهارت های ارتباطی و مدیریتی اثرگذار است (گالویی و همکاران، ۲۰۰۵).

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به موضوع آموزش کارآفرینی به عنوان رویکردی نو در جهت حل مشکل اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی پرداخته شد. نتایج تحقیقات و شواهد تجربی بیانگر آن است که بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی. در بسیاری از کشورها از جمله ایران در حال افزایش است. در حال حاضر تعداد بی شماری از فارغ التحصیلان کشاورزی که از دانشگاههای دولتی، آزاد اسلامی و مراکز آموزشی کشاورزی به دستگاههای دولتی مراجعه می کنند با منع قانونی استخدام مواجه شده و به خیل عظیم بیکاران می پیوندند. به طور قطع یک اقدام جدی برای مقابله با این چالش، توسعه آموزش کارآفرینی است (یعقوبی، ۱۳۸۲). کارآفرینی، دربردارنده منبعی از انعطاف پذیری، نوآوری، خلق شغل برای اقتصاد و یک فرصت جالب برای توسعه حرفه ای افراد تلقی می شود (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارت دیگر کارآفرینی ارتباط مستقیمی با خلاقیت و نوآوری دارد. از این رو ارائه آموزش های کارآفرینانه به فارغ التحصیلان، می تواند در ایجاد اشتغال برای آنها، نقشی مهم و حیاتی ایفا نماید. لذا با مزیت های نسبی که برای کارآفرینی بر شمرده شد، فارغ التحصیلان دانشگاهها، به ویژه فارغ التحصیلان کشاورزی هم اکنون و در طی سالهای آینده می توانند در قالب تشکل های کارآفرین، در زمینه های مختلف فعالیت های اقتصادی کشور مشارکت نموده و از این طریق با ایجاد شغل و درآمد برای خود، گردش چرخهای اقتصادی جامعه را تسهیل و تسجیل نمایند. در این راستا با توجه به مطالب گفته شده موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

لزوم تحقیقات بیشتر در زمینه شیوه های آموزش کارآفرینی و استفاده از تجارب کشورهای موفق در این زمینه .
فراهم آوردن فرصت هایی برای برنامه های آموزش کارآفرینی به گونه ای که با تصورات موجود در مورد کارآفرینی همسو و هماهنگ باشد.

تلاش در جهت تقویت سخت افزارها و نرم افزارهای مورد نیاز جهت اجرای برنامه های آموزش کارآفرینی
اجرای برنامه های مبتنی بر یادگیری از طریق عمل و فعالیت میدانی کشاورزی.
فراهم آوردن فرصت مشاوره با کارآفرینان کشاورز مشغول به کار.
آموزش مهارت های بازاریابی، فروش، معامله و غیره از طریق مکانیسم های اجبار و تشویق.
مطالعه سوابق کارآفرینان کشاورز و آشنایی با آنها.
بکارگیری شیوه ها و تکنولوژی های جدید در برنامه های آموزش کارآفرینی.
اختصاص دادن زمان کافی برای آموزش افراد و توسعه نقاط قوت آنان.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعضایان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

فهرست منابع

ابن علی، لطف اله و ابر رجبی نسب، علی.، (۱۳۸۶)، موانع توسعه کارآفرینی دانشگاهی (بخش کشاورزی)، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، اسفند ماه: سمنان: دانشگاه سمنان.

اسکندری، فرزاد، حسینی، سید محمود و کلانتری، خلیل.، (۱۳۸۵)، عوامل موثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ص ۱۰۹.

بارانی - شهرزاد، اطهری، زهرا و زرافشان، کیومرث.، (۱۳۸۸)، بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی - کاربردی کشاورزی (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)، نشریه توسعه کار آفرینی، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۳-۹۵.

برآبادی، ابوالقاسم و محمدی، یاسر.، (۱۳۸۶)، ایجاد تعاونی، راه حلی جهت مشکل بیکاری فارغ التحصیلان کشاورزی، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۶۱.

جلالی، خداکرم.، (۱۳۸۴)، دستگاههای دولتی دیگر دانش آموختگان کشاورزی را نمی پذیرند، روزنامه آسیا، شماره ۷۲.

خسروی پور، بهمن، ایروانی، هوشنگ، حسینی، سید محمود و موحد محمدی، حمید.، (۱۳۸۶)، شناسایی و تحلیل مولفه های آموزشی موثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی، علوم کشاورزی ایران، ۲(۳۸)، صص ۲۰۷-۲۱۷.

رحمانیان کوشکی، مهدی، چیزری، محمد و هواسی، علی.، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اثرگذار بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد ایلام، نشریه توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار، ص ۱۲۵-۱۴۴.

رضوی، مصطفی و زالی، محمد رضا.، (۱۳۸۷)، بررسی تحلیل آموزش کارآفرینی در دانشگاهها، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴(۱۶) ص ۸۴.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بنام بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

زارع یکتا، محمد رضا، (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه SME های دانش بنیان، کار و جامعه، ۱۰۱، ص ۶۷.

شریف زاده، ابوالقاسم، حسینی، سید محمود، کلانتری، خلیل و اسدی، علی، (۱۳۸۶)، واکاوی ساز و کارها و چالش های تقویت کارکرد نظام آموزش عالی کشاورزی کشور در عرصه تحقیقات کشاورزی، علوم کشاورزی ایران، شماره ۳۸، صص ۲۲۷-۲۴۰.

صالحی، سعید و برادران، مسعود؛ (۱۳۸۵)، راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی، جهاد، شماره ۲۷۴، آذرودی، صص ۲۰۵-۱۸۳.

صمد آقایی، جلیل، (۱۳۷۸)، سازمان کارآفرین، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۱۵.

غلامی، ک، (۱۳۸۲)، ((آموزش کارآفرینی در مدارس))، گاهنامه مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور. شماره ۷، ص ۳.

کیا کجوری، داوود و فاضلی ویسری، الهام، (۱۳۸۹)، شناسایی موانع داخلی، محیطی و برآیندی کارآفرینی سازمانی (مطالعه موردی: اداره کل بنادر و کشتیرانی استان مازندران - بندر نوشهر)، پژوهشگر (فصلنامه مدیریت)، سال هفتم، شماره ۲۰، ص ۹۵.

مرکز کاراد سازمان سنجش آموزش کشور، (۱۳۸۱)، ((کارآفرینی چیست؟)) قابل در دسترس در سایت اینترنتی: <http://karad.sanjesh.org/karafarini/karafarini%20chist.htmhs-donya>

مقدس فریمانی، شهرام و زمانی، غلامحسین، (۱۳۸۶)، رهیافت آموزشی گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی، علوم ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۲۶-۱۱.

مقیم، سید محمد، احمد پورداریانی، محمود، (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، نشریه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، صص ۲۰۷-۲۴۵.

یعقوبی، جعفر، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارائه ساز کارهایی برای تقویت آن، نشریه توسعه کاری آفرینی، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۲۱-۱۳۹.

وارث، حامد، (۱۳۸۷)، ((کارآفرینی دولتی)) تحول اداری، شماره ۲۰۲۲.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعضایان پسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

Azizi,B,Hosseini,F.J.Hosseini, M. and Mirdamadi, M., (2010). **"Factors influencing the development of enterpereneurial education in iran's applied-scientific educational centers for agriculture"**. American Journal of Agricultural and Biological Sciences, Vol, 5(1),pp.77-83.

Collins,L.,Hannon,p.d.& Smith,a.,(2004). **Enacting Entrepreneurial intent: the gaps between student needs and higher education capability. Education + training**,46(8/9),454-463.

Dam,K.V.,Schipper,M.&Runhaar,p.,(2010). **Developing a competency – based framework for teacher entrepreneurial behavior.**

Gallowy,L.& et al.,(2005).**"Enterprise skills for the economy"**. Education & Training .47(1).7-17.

Garavan, Thomas & O'cinneide, Barra., (1994). **Entrepereneurship Education and Training Programmes: A review and Valuation (part2)**. Journal of European Industrial Training , Vol.18 No .11,pp.13-27.

Guerrero,M.,Rialp,J.&Urbano,D., (2008). **The impact of desirability and feasibility on entrepreneurial intenions: A structural equation model , In + Entrep Manage. J**,4,35-50.

Kruger, N.f.Jr.,Reilly,M.D.,Carsrud. A.l.,(2000). **Competing models of entrepreneurial intentions**, Journal of Business Venturing, 15,411-432.

Kuratko, Donald F., (2003).**"Entrepreneurship education: Emerging trends and challenges for the 21st Centry. Coleman ehite paper series**. Available at: www.usasbe.org/pdf/cwp-2003-kuratko.pdf.

Levie, Jonathan., (1999).**"Entrepreneurship: Myth and reality"** Science & public Affairs, pp.(24-25).Available at <http://www.celcee.edu/publications/digest/Leviespa.pdf>

Ma,H. and Tan,J., (2006). **Key components and implications of entrepreneurship: A4-p Framework**. Journal of business venturing,21,704-725.

Mirjam ran Praag. And peter H.overshoot., (2007). **"what is the value of entrepreneurship? A review of recent research"**.

Onstenk,J., (2003). **"Entrepreneurship and vocational Education"**. European Educational research Journal, vol, 2(1),pp.74.89.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)

بعضای بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

Oosterbreek,H.,van,p.m., and Auke,I., (2010).**"The Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurship Skills and Motivation"**. European Economic Review.vol,54, pp.442-454.

sexton,Donald and Kasarda John., (1992). **Entrepreneurship**, pws-Kent Publishing Co.

Tang, L.& Koveos,P.E.,(2004). **Venture entrepreneurship, innovation entrepreneurship and economic growth**. Journal of developmental Entrepreneurship,3,161-171.

Yamada,J.I.,(2004). **A multidimensional view of entrepreneurship: towards a research agenda on organization emergence**. Journal of management development, 23(4),289-320.

Zampetakis, L.A,kafetsios, Bouranta, N., DeweeT.,& Moustakis, V.S., (2009). **On the relationship between emotional intelligence and entrepreneurial intentions** , international journal of entrepreneurial behavior and research ,15 (6),596-618.